

تحلیل فقهی کاربری فناوری‌های نوین در اعمال عبادی (مطالعه موردی: حج و نماز)

حسین عندلیب^۱ | مجتبی خداینده‌لو^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

رایانامه: hoseinandalib@iau.ac.ir

۲. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: mojtaba692@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و اجتهادی، نسبت میان فناوری‌های نوین و عبادات اسلامی را بازخوانی می‌کند و می‌کوشد چهارچوبی روشمند برای ارزیابی شرعی کاربری فناوری در مناسک حج و نماز ارائه دهد. بر پایه مبانی فقهی، چهارچوب «تمایز اعانت/بدیل‌سازی» صورت‌بندی شده و این فرضیه دنبال می‌شود که فناوری تا آن‌جا مجاز و بلکه راجح است که در مقام مقدمات عقلایی امثال قرار گیرد و جای جزء یا شرط عبادت ننشیند، قصد و استدامه نیت را مخدوش نکند، در رفع عسر و دفع ضرر مؤثر باشد، و با عرف متشرعه و کرامت شعائر تعارض نیابد. این چهارچوب در دو میدان کاربری محور آزمون می‌شود: در حج، نسبت ابزارهای مدیریت جمعیت، هدایت هوشمند حرکت، و استفاده از امکانات نو در طواف و سعی با ارکان و مباشرت مکلف سنجیده می‌گردد؛ در نماز، مشروعیت ابزارهای تعیین قبله و وقت و نیز کاربری ابزارهای هوشمند نظارت بر حرکات و قرائت به شرط عدم بدیل‌سازی نیت و فعل عبادی تحلیل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که می‌توان ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری برای افزایش دقت، ایمنی و نظم عبادات، حدود توقیفیت و روح معنوی عبادت را حفظ کرد، به‌ویژه با ترجیح آموزش و بازخورد خارج از متن عبادت، پرهیز از مداخلات لحظه‌ای در حین انجام عمل، و تبیین دستورالعمل‌های فقهی سازگار با شعائر. همچنین پیامدهای سیاستی برای طراحی ابزارها، آموزش مکلفان و تنظیمات اجرایی مناسک پیشنهاد و مسیرهای پژوهش آینده در پیوند فقه عبادات و اخلاق فناوری ترسیم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قصد قربت، بدعت، اصالت عبادات، قاعده لاضرر، فناوری‌های نوین، حج، نماز.

مقدمه

فقه اسلامی به مثابه نظامی استوار از قواعد، اصول و روش‌های استنباط، در برابر تحولات نوظهور، رویکردی اجتهادی، سنجیده و مستند دارد. مناسک حج، به سبب ویژگی‌های مکانی، زمانی و بدنی خاص خود، عرصه‌ای است که ورود فناوری در آن به صورت ملموس تجربه می‌شود. بهره‌گیری از اسکوترهای برقی و وسایل حمل و نقل خودکار در مسیر طواف و سعی، هرچند در ظاهر موجب تسهیل حرکت و کاهش سختی‌های جسمانی است، اما از منظر فقهی پرسش‌های جدی را برمی‌انگیزد. آیا حرکت با ابزار مکانیکی همان حکم حرکت با پای انسان را دارد؟ آیا نیت عبادی در این شرایط تحقق می‌یابد یا صرفاً صورت ظاهری عمل رعایت شده است؟ در کنار این موارد، طراحی نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های راهنمای زائر نیز فهم مناسک را برای حجاج تسهیل می‌کند، اما مسئله‌ای دیگر را پیش می‌کشد: آیا وابستگی به این ابزارهای هوشمند با اصل حضور قلب و توجه در انجام شعائر جمعی همخوان است؟ چنین پرسش‌هایی نشان می‌دهد که بررسی مشروعیت فناوری‌های نوین در حج، صرفاً در سطح تسهیل اجرایی یا مدیریت مناسک باقی نمی‌ماند، بلکه لایه‌های عمیق‌تری از مباحث فقهی را نیز درگیر می‌سازد.

در حوزه نماز نیز، ابزارهای فناورانه گاه در خدمت آموزش، اطلاع‌رسانی یا نظارت بر صحت حرکات و قرائت نماز قرار گرفته‌اند. ظهور ابزارهایی برای تعیین دقیق قبله، تعیین اوقات شرعی از طریق موقعیت جغرافیایی، یا ابزارهایی برای کمک به افراد دارای ناتوانی جسمی در اقامه نماز، نمونه‌هایی از این حضور فناورانه‌اند. اما چالش اصلی آن است که آیا این ابزارها، موجب ارتقای کیفیت توجه و قصد قربت در نماز می‌شوند یا زمینه‌ساز نوعی اتکاء به ظاهر و غفلت از باطن می‌گردند؟ آیا شریعت اسلامی پذیرای چنین اتکایی است؟ و آیا میان استفاده از فناوری و ایجاد بدعت در ساختار نماز، خط مرزی روشن و ضابطه‌مندی در فقه وجود دارد یا باید به شکل موردی و قیاسی با آن مواجه شد؟

در نتیجه، مسئله اصلی این تحقیق را می‌توان این گونه صورت‌بندی کرد: جایگاه فقهی استفاده از فناوری‌های نوین در اعمال عبادی حج و نماز چیست و بر اساس چه اصول و معیارهایی می‌توان حدود مشروعیت و کاربست ضابطه‌مند آن‌ها را تبیین نمود؟ این مسئله، علاوه بر تحلیل مصادیق موجود، درصدد آن است تا به تأسیس نگاهی اجتهادی، اصول‌محور و آینده‌نگر در قبال تحولات فناورانه بپردازد و تعادلی میان ضرورت‌های روز و قواعد اصیل عبادی برقرار سازد؛ تعادلی که تنها از رهگذر فقهی پویا، عمیق و منضبط حاصل می‌شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص نماز مجموعه‌ای از تحقیقات فقهی و عرفانی منتشر شده است که عمدتاً به تحلیل ساختار، نیت، شرایط و ارکان نماز پرداخته‌اند. همچنین، مقالاتی در زمینه ابزارهای کمک آموزشی نماز مانند اپلیکیشن‌های تعیین قبله یا یادگیری تجوید و تلفظ صحیح منتشر شده است. به عنوان نمونه حاجی جعفری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود با عنوان «روش‌های عملی جهت یابی و طریقه به دست آوردن قبله و احکام فقهی آن» به بررسی روش‌های یافتن قبله و احکام فقهی آن پرداخته است. این پژوهشگران تنها به بیان استفتائات در این زمینه بسنده کرده و تحلیل‌های فقهی بیان نکرده‌اند. رستگارسب و عظیمی (۱۴۰۴) نیز در مقاله خود با عنوان «قبله یابی در روز: تعیین مختصات جغرافیایی در روز و قبله یابی از طریق آن» به بررسی روش‌های قبله یابی پرداخته‌اند. لکن رسالت این مقاله نیز بررسی مشروعیت فقهی طرق قبله یابی نبوده است. بامری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تاثیر استفاده از فناوری‌های نوین (مانند اپلیکیشن‌ها و محتوای چند رسانه‌ای) در ترویج نماز در مدارس ابتدایی» به این مساله پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند: فناوریهای نوین می‌توانند به طور موثری در ترویج نماز در مدارس ابتدایی نقش ایفا کنند و به بهبود کیفیت آموزش دینی کمک نمایند. بنابراین این آثار عمدتاً ناظر به کارکردهای کاربردی این ابزارها هستند و نه تحلیل فقهی آن‌ها.

با وجود این حجم از پژوهش در ابعاد مختلف نماز و حج، باید اذعان داشت که تحقیقی که به صورت متمرکز و نظام‌مند به بررسی فقهی رابطه فناوری‌های نوین با اعمال عبادی پرداخته باشد، تاکنون انجام نشده است. اثر مهمی مانند کتاب‌شناسی حج و زیارت تألیف اباذر النصراصفهانی، با وجود ثبت و معرفی بیش از هزار عنوان کتاب و مقاله به زبان فارسی و عربی در حوزه حج، نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی به طور خاص به تحلیل فقهی فناوری در مناسک عبادی نپرداخته و چنین موضوعی در منابع رسمی و آثار علمی ثبت نشده باقی مانده است.

از این‌رو، پژوهش حاضر از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق نه تنها خلأ علمی موجود در این زمینه را شناسایی کرده، بلکه می‌کوشد با بهره‌گیری از روش اجتهادی، و با استناد به قواعد اصولی مانند قصد قربت، اجتناب از بدعت، و حفظ اصالت عبادات، چارچوبی نظری برای ارزیابی مشروعیت استفاده از فناوری‌های نوین در مناسک حج و نماز ارائه دهد. تلاش این پژوهش، نه تکرار مباحث رایج فقه عبادات، بلکه تأسیس رویکردی

نوین در پاسخ‌گویی به چالش‌های دینی در مواجهه با تحولات فناورانه است. به بیان دقیق، این موضوع در آثار پیشین فاقد هرگونه بررسی مستقل، جامع و فقه‌محور بوده و عملاً پیشینه‌ای علمی ندارد.

۱. چیستی و ماهیت فناوری

در نگاه لغوی، واژه «فناوری» معادل فارسی اصطلاح «Technology» در زبان‌های اروپایی است. این واژه در زبان انگلیسی از ترکیب دو واژه یونانی *techne* به معنای هنر، صنعت یا مهارت، و *logos* به معنای گفتار، استدلال یا معرفت شکل گرفته است. بنابراین، *Technology* در معنای ریشه‌ای خود، «شناخت و معرفت درباره فن و مهارت» تلقی می‌شود. در زبان فارسی نیز واژه فناوری، به صورت ترکیبی از «فن» و «آوری» به معنای آفرینش یا تولید فن و مهارت‌ها بر ساخته شده است که در جایگاه معادل برگردان‌شده‌ی واژه اروپایی آن قرار گرفته است فناوری در چارچوب آن بدیدار شده و توسعه می‌یابد. بدین سان، هر نوع تحلیل دینی و فقهی نسبت به فناوری، ناگزیر از درک این عناصر به هم پیوسته خواهد بود.

در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز فناوری دیگر به عنوان پدیده‌ای خنثی تلقی نمی‌شود. بلکه تأکید می‌شود که فناوری دارای بار ارزشی و معنایی است و نمی‌توان آن را مستقل از بافت‌های اخلاقی و فرهنگی تحلیل کرد. همین امر، ضرورت بررسی نسبت میان فناوری و عبادات را دوچندان می‌سازد؛ چراکه اعمال عبادی، نه صرفاً حرکاتی فیزیکی، بلکه تجلی نیت، معنا و روح توحیدی‌اند و ورود فناوری در چنین عرصه‌هایی، بدون تحلیل عمیق چیستی آن، می‌تواند به فروکاست عبادت به قالب‌های ظاهری منجر شود.

بنابراین، در این پژوهش، فناوری نوین نه به معنای صرف ابزار، بلکه به عنوان منظومه‌ای پیچیده از دانش، ابزار، فرایند، ساختار و ارزش، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این درک تحلیلی از فناوری، زمینه لازم برای ارزیابی مشروعیت و تأثیرات فقهی آن در مناسک عبادی را فراهم می‌سازد؛ به ویژه آنکه اعمالی مانند نماز و حج در اسلام، دارای بار معنوی عمیقی هستند که بدون قصد قربت، نیت خالص، و رعایت شرایط خاص شرعی، فاقد اعتبار می‌شوند. هرگونه مداخله فناورانه در این قلمرو، در صورتی قابل قبول خواهد بود که با معیارهای اصالت، نیت‌مندی، و عدم بدعت سنجیده شود؛ و این ممکن نیست مگر با درکی ژرف از چیستی فناوری.

۲. گونه‌شناسی فناوری و دسته‌بندی‌های آن

گونه‌شناسی که در پژوهش‌های نوین مورد توجه قرار گرفته، تقسیم فناوری به دو دسته «فناوری مکانیکی» و «فناوری الکترونیکی (یا اطلاعاتی)» است. فناوری مکانیکی متکی بر تعامل فیزیکی و ساختاری با ماده است، در حالی که فناوری اطلاعات مبتنی بر تولید، پردازش، ذخیره‌سازی و انتقال داده‌ها در قالب‌های گوناگون صوت، تصویر، متن و عدد است (عباسپور، ۱۳۸۹، ص ۲۸۵). در زمینه عبادات، این تمایز نمود روشنی دارد؛ چراکه استفاده از ابزارهای مکانیکی مانند وسایل چرخاننده صفوف نماز جماعت یا سیستم‌های تهویه و نقاله‌های خودکار در طواف، با چالش‌هایی متفاوت از ابزارهای اطلاعاتی همچون قبله‌یاب دیجیتال، اپلیکیشن‌های آموزش احکام یا سیستم‌های یادآور اذان روبروست. این تمایز نه فقط در تحلیل فنی، بلکه در داوری فقهی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند، چراکه نحوه مداخله ابزار در نیت، حضور قلب، و ترتیب شرعی اعمال متفاوت خواهد بود.

برخی دیگر از اندیشمندان، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از فناوری ارائه کرده‌اند: فناوری‌های مربوط به ذهن انسان، فناوری‌های مربوط به بدن انسان، و فناوری‌های مربوط به محیط زیست. این دسته‌بندی، هرچند از منظر روان‌شناختی و زیست‌محیطی مطرح شده است، اما در تحلیل فقهی نیز می‌تواند اثرگذار باشد. برای مثال، فناوری‌های ذهن‌محور مانند واقعیت مجازی، فناوری‌های بدن‌محور مانند ایمپلنت‌ها یا ابزارهای کنترل فیزیولوژیکی، و فناوری‌های محیطی مانند تصفیه‌گرهای هوا یا دستگاه‌های تنظیم دما، هر یک تأثیر خاصی بر نحوه حضور انسان در عبادت دارند و بنابراین می‌توانند موضوع بررسی فقهی جداگانه باشند (ایرانداک، مستندات علمی طرح فناوری در عبادت، سند وزارت علوم، ۶/۹/۱۳۹۵، کد ۱۹۵۹۲۹/و).

نهایتاً در گونه‌شناسی فناوری باید به فناوری اطلاعات (Information Technology) به‌عنوان گسترده‌ترین و مؤثرترین نوع فناوری نوین در عرصه عبادی نیز اشاره کرد. این نوع فناوری که به‌اختصار «IT» نامیده می‌شود، عبارت است از مجموعه ابزارها و روش‌هایی که اطلاعات را در اشکال مختلف^۱ جمع‌آوری، ذخیره، بازیابی، پردازش و توزیع می‌کند. برخی پژوهشگران، آن را به دو مؤلفه اصلی تقسیم کرده‌اند: نخست، فرایندهای مرتبط با داده (از جمع‌آوری و پردازش تا انتقال و دریافت)؛ و دوم، ساختارهای سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و سازمان‌افزاری مرتبط با آن (عباسپور، ۱۳۸۹، ص ۲۸۶). وجه ممتاز فناوری اطلاعات، در گستره نفوذ و

^۱ صدا، تصوّر، متن، عدد

انعطاف‌پذیری آن در حوزه‌های مختلف است. در زمینه عبادات نیز IT در قالب‌های گوناگونی همچون اپلیکیشن‌های آموزش نماز، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی حج، دستگاه‌های ثبت نیت در قربانی حج یا سامانه‌های پاسخ به مسائل شرعی آنلاین، حضوری وسیع و رو به گسترش دارد.

تحلیل نسبت فناوری با مفهوم بدعت در فقه عبادی

از مسائل نوپدید در فقه عبادی معاصر، مسئله نسبت میان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تحقق عنوان بدعت است؛ پرسشی که با رواج ابزارهای دیجیتال، هوش مصنوعی و تجهیزات الکترونیکی در فضای عبادات، اهمیت و حساسیت بیشتری یافته است. در تحلیل فقهی این نسبت، نخستین گام آن است که مرزی روشن میان «ذات عبادت» و «ابزارهای یاری‌رسان به عبادت» ترسیم شود؛ مرزی که بر تمایز میان حقیقت شرعی عبادت و وسایل عرفی مورد استفاده در اجرای آن استوار است.

فقه‌های امامیه در تعریف بدعت گفته‌اند: شخصی را که در دین وجود ندارد در آن وارد کند؛ مانند آنکه عبادتی را که در دین نیامده است، جزء مناسک توصیه شده در دین بداند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۷۵؛ خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۲۸). بر پایه این مبنا، هرگاه ابزار یا فناوری صرفاً به منظور تسهیل، سامان‌دهی یا افزایش دقت در انجام عبادت به کار گرفته شود و به‌عنوان جزء، شرط یا قید شرعی معرفی نگردد، در دایره بدعت قرار نمی‌گیرد. بدین ترتیب، عنصر اصلی در تحقق بدعت «قصد تشریع» و «نسبت دادن امر به دین» است، نه صرف استفاده از ابزارهای تازه.

بنابراین فناوری‌هایی که صرفاً واسطه تحقق عبادت‌اند و با نیت تشریع وارد مناسک نشده‌اند، بدعت محسوب نمی‌شوند؛ زیرا نه در ارکان عبادت تغییری ایجاد کرده‌اند و نه مدعی افزودن حکمی شرعی بوده‌اند. عرف متشرعه، هنگامی که ابزاری را در خدمت مقاصد عبادی می‌یابد، آن را بیرون از قلمرو بدعت ارزیابی می‌کند، برای تأیید این مبنا می‌توان نمونه‌های متعددی برشمرد. به‌عنوان نمونه، استفاده از میکروفون و بلندگو در نماز جماعت - هرچند در عصر شارع سابقه‌ای نداشته است - بدعت تلقی نمی‌شود؛ زیرا نه به‌عنوان شرط یا جزء نماز تعریف شده و نه در ماهیت عبادت دخالتی دارد، بلکه صرفاً ابزاری برای رساندن صوت امام جماعت به مأمومین است. به همین قیاس، نرم‌افزارهای تعیین قبله، برنامه‌های اذان‌گو، اپلیکیشن‌های یادآور نماز و حتی قبله‌نماهای هوشمند،

همگی در زمره ابزارهای عرفی قرار می‌گیرند که بدون تغییر در حقیقت عبادت، بر دقت، نظم و سهولت آن می‌افزایند.

در فقه، این نوع ابزارها نه تنها از دایره بدعت بیرون‌اند، بلکه از حیث حکم ثانوی ممکن است مشمول عنوان‌هایی نظیر «تسهیل»، «رفع حرج»، «اعانت بر طاعت» یا حتی «حفظ نظم جماعت» شوند؛ عناوینی که در بسیاری از موارد، توصیه‌پذیر یا مستحب نیز تلقی می‌شوند. روشن است که اگر شارع مقدس برای وضو گرفتن از نیت یا ترتیب یا موالات حکمی قائل است، اما وسیله برداشت آب، محل وضو یا ترتیب شستن اعضا در قالب ابزار دیجیتالی تغییری در ماهیت این اجزاء ایجاد نکند، فناوری یادشده در متن شریعت ادغام نشده و به همین جهت، بدعت نخواهد بود.

بر اساس این تحلیل، می‌توان ضابطه‌ای کلی در نسبت فناوری و بدعت ارائه داد: هرگاه فناوری صرفاً نقش ابزاری، بیرونی و تسهیل‌گر نسبت به عبادت داشته باشد، بدعت محسوب نمی‌شود؛ اما اگر ادعا شود که آن فناوری جزئی از عبادت است، یا بدون آن عبادت ناقص یا نامعتبر است، در آن صورت، با شرایطی ممکن است عنوان بدعت صدق کند، مشروط به آنکه فاقد دلیل شرعی معتبر باشد.

این تفکیک، هم از ورود بدعت‌های واقعی به ساحت عبادات جلوگیری می‌کند، و هم مانع تحجر و جمود نسبت به بهره‌گیری از ابزارهای جدید در عرصه مناسک عبادی می‌شود. در نتیجه، می‌توان گفت که نگاه فقهی به فناوری، نافی نوآوری مفید نیست؛ بلکه در پی آن است که نوآوری‌ها، در مسیر دین و نه به جای دین به کار روند.

فناوری‌های مدیریت جمعیت و تسهیل حرکت در حج

مقصود از ابزارهای مدیریت جمعیت، مجموعه سامانه‌ها و سازوکارهایی است که برای هدایت زائران، کاهش تراکم، پیشگیری از حوادث، تنظیم زمان و مسیر حرکت و ارتقای ایمنی به کار گرفته می‌شود؛ مانند نوبت‌بندی و زمان‌بندی حرکت به سمت مشاعر، تفکیک مسیرهای رفت و برگشت، لایه‌بندی گذرگاه‌ها، علامت‌گذاری و اعلان‌های دیجیتال، سامانه‌های شمارش و پایش تراکم، گیت‌های کنترلی و مسیرهای هدایت، خودروها و نوارهای انتقال‌دهنده برای حرکت‌های طولانی خارج از ارکان، و تدابیر انتظامی و امدادی.

بحث از جواز و عدم جواز به کارگیری فناوری‌های مدیریت جمعیت و تسهیل حرکت در حج، تنها با اتکای کلی به دو قاعده «لا حرج» و «لا ضرر» سامان نمی‌یابد؛ بلکه نیازمند تعیین مرزهای هنجاری روشن میان «نظامات اجرایی اعانت‌گر» و «اجزاء و شرایط توقیفی عبادت» است تا از یک سو زمینه ابتکار و تدبیر برای حفظ نفوس و نظم عمومی فراهم آید و از سوی دیگر هیچ گونه ادخال در حقیقت عبادت رخ ندهد. نقطه عزیمت در این ترسیم، رجوع به تعریف و ارکان منصوص حج در متون فقهی امامیه است؛ زیرا حقیقت حج، به نصّ منابع معتبر عبارت است از: اول: عمره تمتع: ۱. طواف ۲. نماز طواف ۳. سعی صفا و مروه ۴. تقصیر؛ دوم: حج تمتع: ۱. احرام حج تمتع ۲. وقوف به عرفات ۳. وقوف به مشعر الحرام ۴. رفتن به منا و رمی جمره عقبه ۵. قربانی کردن در منا ۶. تراشیدن سر در منا ۷. طواف زیارت ۸. نماز طواف ۹. سعی بین صفا و مروه ۱۰. طواف نسا ۱۱. نماز طواف نسا ۱۲. ماندن در منا ۱۳. رمی جمرات (امام خمینی، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶، ص ۲۳۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۱، ص ۲۴۹) تعیین می‌یابد و در این افعال مباشرت مکلف، قیود زمانی و مکانی و هیئت عمل، جایگاهی توقیفی دارند که خروج از آن‌ها به بهانه تسهیل یا ایمنی، تغییر در ماهیت عبادت تلقی می‌شود (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۵).

بر این مبنا، معیار نخست آن است که هر سامانه یا ابزار، چنانچه ماهیت «مقدمه عرفی امثال» داشته باشد و صرفاً نقش هدایت، زمان‌بندی، شمارش، اطلاع‌رسانی، تفکیک مسیر و کنترل ورودی و خروجی را ایفا کند، در دایره اعانت بر امثال قرار می‌گیرد و مادامی که به تغییر صورت عبادت نینجامد، مشروعیت می‌یابد؛ زیرا چنین تدابیری عسر و حرج زائد را رفع می‌کنند و از وقوع ضرر پیش‌گیری می‌نمایند، بی‌آنکه در حقیقت فعل تبعیدی دخالت کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴) در مقابل، هر جا ابزار یا رویه اجرایی به گونه‌ای عمل کند که استناد عرفی فعل از عامل سلب شود یا قید زمانی و مکانی منصوص نقض گردد یا هیئت مأثور به دگرگون شود، فراتر از اعانت رفته و به «تغییر حقیقت» نزدیک می‌شود؛ در این مواضع، تمسک به «لا حرج» و «لا ضرر» نیز نافذ نیست؛ زیرا این دو قاعده در طول احکام توقیفی‌اند نه در عرض آن‌ها و نمی‌توانند ماهیت عبادت را تبدیل کنند (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳).

برای کاربست عملی این تفکیک، چند ضابطه تکمیلی لازم است که هر یک بر شاهی از منابع فقهی تکیه دارد. نخست آن‌که در ارکان مکانی و زمانی چون وقوف عرفات و مشعر، تغییر زمان واجب یا خروج از حدود مکانی

منصوص، به هر بهانه‌ای، جایز نیست؛ لکن در درون بازه زمانی شرعی، تنظیم موج‌های جمعیتی و تقسیم‌بندی ساعات حضور، نه تنها منافای توقیفیت نیست، بلکه مصداق روشن رفع حرج و دفع ضرر است، به‌ویژه آن‌که تراحم شدید، گاه امثال را ناممکن می‌سازد و با تدبیر اجرایی مناسب، امثال ممکن و ایمن می‌شود (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۵؛ حسینی حائری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳). دوم آن‌که در افعالی مانند طواف و سعی، که حرکت بدن مکلف و استناد عرفی فعل به او در حقیقت عمل دخیل است، هر ابزار انتقالی درون عملی که عرفاً حرکت را از مکلف سلب کند و به وسیله مستند سازد، بیرون از حد اعانت بوده و در معرض اشکال قرار می‌گیرد؛ زیرا چنین تدخلی، هیئت مأموریه را دگرگون می‌کند و از مباشرت مکلف می‌کاهد، حال آن‌که مباشرت، در سازمان عبادات حج، اصل است. (علم‌الهدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۶۲؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۵).

سوم آن‌که در رمی جمرات، رمی باید با پرتاب حصیات از سوی مکلف و در ظرف زمانی مقرر تحقق یابد؛ از این رو هر سامانه‌ای که بدل از پرتاب مکلف شود، از حقیقت مأموریه می‌کاهد و مردود است؛ اما تنظیم طبقات پل، تعیین ورودی‌ها و خروجی‌های مجزا، نوبت‌بندی عبور و به‌کارگیری سامانه‌های هشدار تراکم، در حکم نظامات اجرایی غیرمؤثر در حقیقت رمی است و ذیل «لا ضرر» و «لا حرج» مشروعیت می‌یابد، چه آن‌که دفع خطر از نفوس و رفع عسر غیرمتعارف، هدف مستقیم این قواعد است (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ حسینی حائری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۹۷). چهارم آن‌که در «تعلیم و آگاهی‌رسانی»، استفاده از اعلان‌های دیجیتال، نقشه‌های تعاملی، سامانه‌های هشدار و هدایت صوتی، و حتی تقسیم‌بندی رنگی مسیرها، به شرط آن‌که جایگزین نیت و ذکر و افعال تبعیدی نشوند و تنها نقش تبیینی داشته باشند، نه تنها مجاز، بلکه برای تقلیل خطا و تحقق امثال دقیق سودمند است؛ زیرا حقیقت عبادت به نیت و مباشرت و قالب منصوص آن قائم است و ابزار تبیینی، ادخال در دین محسوب نمی‌شود (حسینی حائری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳).

افزون بر این ضوابط، باید به نسبت «ولایت نظم» و «حقوق دیگران» در موسم حج التفات کرد. قاعده «لا ضرر» نه فقط در نفی حکم ضرری نسبت به مکلف جاری است، بلکه به مقتضای منع اضرار به غیر، اجازه می‌دهد مسئولان امر، ورود به مسیرهای بحرانی را ممنوع یا موکول به نوبت کنند؛ زیرا تصرف فردی‌ای که با افزایش خطر

برای جمع همراه است، از مصادیق اضرار به غیر خواهد بود و منع آن به حکم قاعده رواست، مادام که اصل امتثال در ظرف شرعی قابل تحقق بماند. (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴) در همین چارچوب، اگر داده‌های تراکم و تحلیل‌های ایمنی نشان دهد که حضور بی‌نوبت در مقطع زمانی معین، خطر عینی برای جان زائران دارد، تعیین پنجره‌های زمانی و مسیرهای جایگزین، ترجیح پیدا می‌کند و ترک این تدبیر، خود منشأ ضمان اخلاقی و فقهی نسبت به نفوس خواهد بود، بی‌آنکه تغییری در حقیقت رکن پدید آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ حسینی حائری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۹۷).

ضوابط توقیفی طواف و سعی و معیار تمایز «اعانت» از «ادخال در عبادت»

در منظومه هنجاری مناسک حج، طواف و سعی اعمال منصوب و توقیفی به شمار می‌آیند و در زمره ارکان سازنده حقیقت حج قرار دارند؛ به این معنا که حدود و کیفیت آن‌ها مستقیماً تابع نص بوده و هرگونه تغییر در ساختار مأموریه، فراتر از مجاز شرعی تلقی می‌شود. منابع فقهی به صراحت بر توقیفی بودن اعمال حج تأکید کرده‌اند و طواف زیارت و سعی میان صفا و مروه را به‌عنوان اجزای غیرقابل جایگزین در حج تمتع، و نیز در حج افراد و قرآن معرفی نموده‌اند. بر این اساس، هر نوآوری که به جایگاه جزء یا شرط در این دو عمل عبادی سرایت کند، به منزله خروج از هیئت منصوب و عدول از چارچوب شرعی محسوب خواهد شد (علم‌الهدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۶۲؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۵؛ حسینی حائری، ۱۴۲۷، ص ۹۷). همین منطق توقیفی بودن، مبنای نخست در ارزیابی مشروعیت هر ابزار یا فناوری همراه طواف و سعی است؛ هر آنچه صرفاً در مقام اعانت بر امتثال همان صورت منصوب واقع شود، بدون آن که در متن عمل دخالت شکلی یا محتوایی پیدا کند، در دایره جواز اولیه یا مجاز ثانویه به واسطه عناوین حاکمه می‌گنجد؛ و هر آنچه صورت مأموریه را تغییر دهد یا «اسناد عرفی فعل عبادی» را از مکلف سلب کند، از دایره مشروعیت بیرون می‌رود.

برای صورت‌بندی دقیق‌تر این معیار، باید نخست، عناصر تعریف‌کننده طواف و سعی را بر اساس منابع فقهی بازشناخت. در تقریر قدیم، حج به اقسام خود منحل می‌شود و برای هر قسم، طواف و سعی به‌عنوان اجزای لازم‌الامثال تبیین می‌گردد؛ طرحی که ضمن برشمردن اعمال، بر لزوم انجام آن‌ها در ظرف زمانی و مکانی مقرر و با مباشرت مکلف تأکید دارد. (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۱۵۵؛ علم‌الهدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۶۲). تفصیل اعمال عمره التمتع و حج تمتع در آثار متأخر، نیز همین رویکرد را تقویت می‌کند که با ترتیب و توالی معین، ساختار غیرقابل

جایگزین حج را پدید می‌آورند (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۵؛ حسینی حائری، ۱۴۲۷، ص ۹۷) این «صورتِ منصوص»، معیارِ مرزبندی میان اعانت و ادخال است: اعانت یعنی ابزار، امثال همان صورت را تسهیل کند؛ ادخال یعنی ابزار، به نحوی در ماهیت یا هیئتِ مأموریه مداخله کند که عرف، فعلِ محقق شده را دیگر همان فعلِ منصوص نداند.

از سوی دیگر، قواعد عام حاکم بر تکالیفِ مشقت‌زا و ضررآفرین، سپهرِ تحلیلیِ دومی را می‌سازند که به واسطه آن می‌توان محدوده توجیه شرعی بهره‌گیری از فناوری تسهیل‌گر را روشن کرد. قاعده «لا حرج» بر پایه آیات و اخبار متعدد، اصلِ عُسرشکنِ شریعت را صورت‌بندی می‌کند و در عین تصریح به سهولتِ دین، نفیِ جعلِ تکلیفِ حرجی بی‌جهت را دلیل می‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳) در کنار آن، قاعده «لا ضرر» چنان که در سنتِ فقهی امامیه تبیین شده، یک ضابطه فراگیر در نفیِ حکمِ ضرری و تنظیمِ نسبتِ میان امثال و صیانِ نفوس و نظام به دست می‌دهد و از صدر فقه تا ذیلِ دیات، کاربرد عام دارد (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴) جمع میان این دو قاعده با منطقِ توقیفیِ عبادات، به یک قاعده هادی می‌انجامد: تسهیلِ امثالِ ارکان و شرایط، با ابزارهایی که در متن عمل دخالت نکنند و قصد قربت و اسناد عرفی فعل را مخدوش نسازند، نه تنها مجاز که در موارد خوف ضرر و حرج نوعی، راجح و بلکه در حدّ تنظیمات الزام‌آور ولایی برای حفظ نفوس، لازم است؛ اما هر جا فناوری، رکن یا شرط را تغییر دهد، یا فعل را از مباشرِ انسانی به عامل غیر، منتقل کند، عناوینِ نفیِ حرج و ضرر، مُجَوِّزِ تغییرِ حقیقتِ عبادت نیستند و نمی‌توانند توقیفی بودن را نقض کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴)

در امتداد همین تحلیل، نسبتِ «اعانت» با «بدعت» نیز باید روشن شود. بدعت در بیان فقهی، ادخالِ ما لیس من الدین فی الدین است؛ یعنی افزودنِ جزء یا شرط به دین بدون نصّ خاص یا عموم شامل، و در عبادات توقیفی، این ادخال به‌ویژه هنگامی رخ می‌دهد که چیزی به‌عنوان مقوم عمل یا شرط صحت درآید بی‌آن که مستند کتاب و سنت داشته باشد (تسخیری، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۵۸) بنابراین چنانچه ابزار فناوریانه، به‌جای آن که صرفاً نقش بیرونی تسهیل‌گر داشته باشد، به‌عنوان بخشی از حقیقتِ طواف یا سعی تعریف شود، یا صحتِ عمل به آن منوط گردد، عنوانِ بدعت در معنای فقهی آن متوجه چنین ادخالی خواهد شد. مثال روشنگر آن است که سامانه شمارش اشواط، تا زمانی که صرفاً گزارشگر بیرونی شمارش است و هیچ حیثیتی از حقیقتِ طواف را تشکیل نمی‌دهد،

اعانت است؛ اما اگر در مقام تشریح عرفی یا اداری، صحت طواف به ثبت در سامانه منوط گردد و در تعارض با یقین مکلف قرار گیرد، ادخال عنوان بی دلیل در شرط صحت، در معرض منع فقهی خواهد بود؛ زیرا شرط صحت، عنوان منصوص یا مأخوذ در عمومات می خواهد و تبدیل ابزار بیرونی به مقوم درونی عبادت، وجهی ندارد (تسخیری، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۵۸)

معیار دوم، «اسناد عرفی فعل» و «مباشرت عبد» است. ساختار اعمال حج در نقل های فقهی به گونه ای تقریر شده که انجام افعال به مکلف نسبت داده می شود و مباشرت او — جز در موارد عذر و نیابت مشروع — مفروض است؛ چنان که تفصیل اعمال تمتع، ترتیب و مباشرت را در پیوندی ناگسستگی گرد می آورد (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۵؛ حسینی حائری، ۱۴۲۷، ص ۹۷). بنابراین، هر فناوری که عرفاً فعل را به ابزار نسبت دهد و مباشرت مکلف را مستهلک سازد از حوزه اعانت بیرون می رود. استفاده از رمپ، راه بند هوشمند، نشانگرهای مسیر یا سامانه های هشدار ازدحام، مادام که مکلف خود در حرکت و نیت و ذکر و هیئت طواف و سعی فاعل است، مداخله در حقیقت عبادت محسوب نمی شود؛ اما حرکت دادن مکلف بر نقاله ای که عرفاً «او» را طواف نمی دهد، بلکه «بر او طواف داده می شود»، یا جایگزینی حرکت او با عملی غیر انسانی در وضع غیر معذور، مصداق سلب مباشرت و نافی اسناد عرفی فعل است و با توقیفی بودن هیئت عبادت سازگار نیست. در عین حال، در مورد معذورین، عنوان ثانوی مانند نفی حرج و ضرر و نیز باب نیابت مشروع، جواز استفاده از کرسی چرخدار و همراه تعیین را توجیه می کند، بی آن که حقیقت عبادت به ابزار اسناد یابد؛ زیرا در این جا، فاعلیت عرفاً همچنان به مکلف یا نایب شرعی او منسوب است و ابزار، صرفاً وسیله حرکت است نه جایگزین فعل (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴).

بدین سان، ضابطه عام در تمایز اعانت از ادخال را می توان چنین تقریر کرد: هرگاه فناوری، بیرون از حقیقت مأموّربه بایستد، اعمال منصوص را با حفظ قصد قربت و هیئت توقیفی آن تسهیل کند، و اسناد عرفی فعل به مکلف محفوظ بماند، بهره گیری از آن در چارچوب قواعد نفی حرج و ضرر و حفظ نظم، مشروع است؛ اما هرگاه ابزار، به صورت جزء یا شرط صحت عمل درآید، یا هیئت مأموّربه را تغییر دهد، یا اسناد فعل را از مکلف سلب کند، یا قصد قربت را به اتکای تامّ به سازوکار بیرونی تضعیف نماید، از اعانت خارج و داخل در ادخال غیر مجاز یا بدعت خواهد بود. این جمع بندی، هم وفادار به توقیفی بودن طواف و سعی است که منابع فقهی بر آن پای فشرده اند، و

هم به قواعد رافع عسر و ضرر ملتزم است تا در عین صیانت از اصالت عبادت، راه استفاده سنجیده از فناوری غیرمداخله‌گر برای صیانت نفوس و انتظام شعائر باز بماند.

معیارهای فقهی-اجرایی برای ادغام فناوری در تجربه جمعی و معنوی حج

سنجش جواز و حدود ادغام فناوری در فضای جمعی حج، در گرو ترسیم معیارهایی است که هم‌زمان هم به «حقیقت توقیفی مناسب» وفادار بماند و هم مقتضیات اجرایی مدیریت انبوه زائران را پاسخ دهد. نخستین معیار آن است که هر فناوری در نسبت «طولی اعانت بر امتثال» تعریف شود نه در مقام «عرضی تشریع»، بدین معنا که ابزار حق ندارد جای قصد قربت، مباشرت تقریبی یا توالی توقیفی افعال را بگیرد، بلکه تنها می‌تواند به شناخت موضوع، تسهیل حرکت و حفظ نظم یاری رساند؛ در غیر این صورت، عنوان ادخال ما لیس من الدین در دین پیدا می‌کند و مردود است (شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۵۶).

معیار دوم، ارزیابی فناوری با قواعد عامه ناظر به دفع عسر و ضرر است. بنابراین هر تدبیر فناورانه‌ای که بتواند عسر نوعی زائران را بدون تغییر در حقیقت عمل بر دارد یا بکاهد، تحت این قاعده توجیه‌پذیر است، به‌ویژه در محیط‌های تنگ مکانی و تراکم زمانی و قوفین، رمی و طواف (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳). به همین قیاس، قاعده «لا ضرر» میزان دیگری برای سنجش مشروعیت ابزارهای هشداردهنده، سامانه‌های شمارش تراکم، زمان‌بندی ورودی‌ها و مسیرهای جایگزین است؛ زیرا اگر بقای صورت ظاهری مناسب ملازم با مخاطرات بالفعل باشد، نفی حکم مضر یا تنظیم اجرای آن به گونه‌ای که ضرر دفع گردد، مقدم است، بی آنکه به ارکان افزوده شود یا از آن‌ها کاسته گردد (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴). نکته کلیدی در به کارگیری این دو قاعده آن است که «رفع حرج و ضرر» تنها به اندازه ضرورت و در حد حفظ حقیقت عبادت جریان می‌یابد؛ لذا هر کجا ابزار، از حد اعانت فراتر رود و به تغییر ماهیت یا سقوط مباشرت بینجامد، دیگر تحت شمول این قواعد قرار نمی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳).

معیار سوم به «حسن فاعلی» و امکان حفظ نیت و اخلاص در محیط تکنیکی بازمی‌گردد. عبادت در منطق فقه امامیه، افزون بر «حسن فعلی» (مطابقت با صورت شرعی)، قائم به «حسن فاعلی» است؛ یعنی نیت تقرب و اخلاص در انگیزه، رکن ارزش عبادی به‌شمار می‌رود. هر فناوری که به سبب سر و صدا، نمایش‌گری‌های

چشم‌پرکن یا وقفه‌های دستوری مکرر، تمرکز نیت و حضور قلب را به‌نحو محسوس تضعیف کند، هرچند امتثال صوری را آسان کرده باشد، نسبت به تحقق «حسن فاعلی» مسئله‌دار می‌شود و باید یا اصلاح گردد یا کنار گذاشته شود (شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۵۶؛ سیفی، ۱۳۹۰، ص ۱۴). در مقابل، چنانچه فناوری به «طمأنینه»، «ترکیز نیت» و «رفع مزاحمت‌های تمرکززا» کمک کند - مانند سامانه‌های راهنمای حرکت که از فشارهای خردکننده در مطاف و سعی می‌کاهد و امکان ذکر و توجه را می‌افزاید - در نسبت طولی با غرض شرعی قرار می‌گیرد و رجحان می‌یابد، مشروط بر آنکه هیچ جزء یا شرطی بر عبادت تحمیل نکند (حسینی حائری، ۱۴۲۷، ص ۹۷).

معیار چهارم، حفظ «مباشرت تقریبی مکلف» در ارکان است. مبانی مناسک حج از احرام تا طواف و سعی و رمی، بر اسناد فعل عبادی به فاعل مکلف استوار است؛ نیابت شرعی در برخی مواضع باب خود را دارد، اما «واگذاری قصد و امتثال» به سامانه‌ها نه معقول است و نه مشروع. بنابراین فناوری‌های خودکار یا هوشمندی که بخواهند به‌جای شخص حاج، فعل قصدی را انجام دهند یا ارکان را به کنش ماشینی تقلیل دهند، به لحاظ اصولی با مانع مواجه‌اند؛ زیرا قصد و اخلاص از «افعال قلبی» فاعل‌اند و موضوع برای حکم صحت عبادت، تحقق همین اسناد است (شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۵۶؛ سیفی، ۱۳۹۰، ص ۱۴). در عمل، معنای این معیار آن است که حسگرها، شمارنده‌ها و تابلوهای هدایت، «معرفت موضوعی و تنظیمی» را فراهم می‌کنند، اما هیچ‌یک حق ندارند به‌عنوان جانشین مباشرت رمی یا طواف و سعی بنشینند؛ چنین جانشینی، اگر دلیلی مستقل نیابد، تغییر حقیقت عبادت تلقی می‌شود (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۵؛ علم‌الهدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۶۲).

معیار پنجم، «تناسب ابزار با عرف متشرعه و حفظ هیئت شعائر» است. عرف متدین، از راه تجربه‌های نسلی حج، صورت‌هایی از وقار، هیئت و سکینه را به‌عنوان مؤلفه‌های روح جمعی می‌شناسد. هر فناوری که به‌دلیل سبک ارائه یا لحن پیام‌رسانی، مجالس ذکر را به صحنه نمایش و هیاهو تبدیل کند، هرچند ممکن است از حیث ایمنی مفید باشد، باید به‌نحو فقهی بازطراحی شود تا هم کارآمدی خود را حفظ کند و هم از مخدوش کردن «سیما و سلوک عبادی» پرهیز نماید. این معیار در منابع مناسک، ذیل توصیه به «حفظ سکینه» و «اجتناب از لغو و لعط» در حال تلبیه، طواف و سعی قابل پیگیری است و نسبت مستقیم با تحقق حضور قلب دارد (حسینی حائری، ۱۴۲۷، ص ۹۷).

برآیند این پنج معیار در سطح راهبرد اجرایی، نقشه‌ای از «ادغام مسئولانه فناوری» عرضه می‌کند: هر جا ابزار، به‌روشنی در مقام اعانت بر امتثال توقیفی باشد، حرج و ضرر نوعی را بکاهد، تمرکز نیت و وقار مناسک را حفظ یا

تقویت کند، مباشرت تقریبی مکلف را دست‌نخورده بگذارد و از مرز عرف مشرعه عبور نکند، توجیه فقهی دارد و حتی می‌تواند راجح باشد. در مقابل، هر جا که ابزار از این حدود فراتر رود - خواه با تحمیل جزء و شرط جدید، خواه با ایجاد نیابت نامشروع، خواه با تضعیف حسن فاعلی - لازم است یا اصلاح شود یا کنار گذاشته گردد، مگر آنکه دلیل شرعی خاص، اعتبار آن را اثبات کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۱۵۵؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۵).

ابزارهای نوین تعیین جهت قبله

پرسش محوری در نسبت با فناوری‌های قبله‌یاب آن است که «معیار اطمینان شرعی» در تعیین جهت چیست و ابزارهای جدید چگونه داخل در این معیار می‌شوند؟ مبنای شناخته‌شده در فقه امامیه آن است که در موضوعات خارجی عبادات، شارع غالباً بنای عقلاً بر طرق متعارف حصول علم و اطمینان را امضا کرده است؛ از این رو، هر وسیله‌ای که عرفاً مفید اطمینان نوعی یا شخصی به سمت قبله باشد، حجت است و تکلیف با آن امثال می‌گردد. این مبنا، در متون معاصر فقهی نیز با تصریح به کفایت ظن اطمینانی در قبله تثبیت شده است؛ بدین معنا که مکلف موظف است با بهترین وسیله‌ی در دسترس، جهت را تشخیص دهد و اگر به اطمینان رسید، همان جهت، قبله‌ی شرعی او محسوب می‌شود و احتیاط چندجهتی فقط در فرض عدم دستیابی به ظن معتبر معنا پیدا می‌کند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۱۵۸؛ خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۸). بر همین اساس، ادبیات پژوهشی روزآمد نیز، با مرور آرای فقها، نتیجه گرفته است که قبله‌نماهای مغناطیسی، ابزارهای نجومی سنتی و روش‌های محاسباتی مدرن تا سطح اپلیکیشن‌های موبایلی، هرگاه برای مکلف اطمینان عرفی بسازند، مشمول امارات حجت‌اند و به‌کارگیری‌شان نه تنها مجاز، بلکه مطلوب شرعی است؛ زیرا کیفیت امثال امر استقبال را ارتقا می‌دهند (حاجی جعفری، ۱۴۰۳، ص ۵۰۷).

از سوی دیگر، ادله قواعد عامه نیز پشتوانه‌ی پذیرش ابزارهای دقیق‌اند. قاعده «لا حرج» بنابر تقریر فقها، تشریع تکالیف مشقت‌زا را نفی می‌کند (نراقی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۶۲) و به‌ویژه در تعیین قبله برای مکلف فاقد دسترسی به نشانه‌های طبیعی، تکلیف به احتیاط‌های دشوار چندجهتی را به قدر متیقن فرو می‌کاهد؛ هر جا که ابزار علمی سهل‌الوصول می‌تواند اطمینان بسازد، ترجیح آن بر تکالیف حرجی، مطابق با روح شریعت سمحه و سهله است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۳) همچنین «لا ضرر» اقتضا دارد اگر الزام به شیوه‌های پرهزینه یا

پرمخاطره برای یافتن قبله، موجب ضرر نوعی یا شخصی گردد، نوبت به بدلِ متعارفِ کم‌ضرر، یعنی ابزارهای فناورانه، می‌رسد و همان معیار تحرّی محسوب می‌شود (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۵).

این تصویر، در مطالعات فقهی ناظر به قبله نیز بازتاب یافته است. بررسی تحلیلی روایات قبله در پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد که اولاً، خطاب شارع نسبت به مکلف، «تحصیل جهت به قدر متیسّر» است نه الزام به روش خاص؛ ثانیاً، اگرچه طرق طبیعی مانند رؤیت شمس و نجوم در عصر صدور، مصادیق غالب تحرّی بوده‌اند، ولی مناط حکم، «حصول اطمینان» است و این مناط به صورت بی‌طرف نسبت به ابزار، قابل تعمیم به فناوری‌های نوین است (ابراهیمی پاستدی، ۱۴۰۱، ص ۹-۱۱). از این رو، قبله‌نماهای دیجیتال و سامانه‌های هرگاه پس از تنظیمات دقیق موقعیت جغرافیایی، زاویه سمت قبله را با خطای بسیار اندک گزارش کنند و عرفاً موجب اطمینان شوند، در منظومه ادله همان کارکرد تحرّی معتبر را ایفا می‌کنند (حاجی جعفری، ۱۴۰۳، ص ۸).

نکته مهم دیگر، نسبت «تخصص و خبرگی» با حجیت ابزار است. فقها در باب موضوعات، رجوع به خبره را امضای شرعی دانسته‌اند و این رجوع، در قالب بهره‌گیری از محصول تخصص نیز صادق است. به بیان دیگر، وقتی سامانه یا اپلیکیشنی بر پایه محاسبات ژئودتیکی و نجومی متخصصان طراحی شده و با استانداردهای علمی کالیبره گردیده است، اعتماد عرفی به خروجی آن، مصداق رجوع به اهل خبرت خواهد بود و نیازی نیست مکلف، خود محاسبات پیچیده را انجام دهد؛ کافی است اطمینان عقلایی به صحت ابزار حاصل شود تا امثال استقبال محقق گردد (خوبی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۱۶۱). همین مبنا، استفاده از نقشه‌های آنلاین قبله، قبله‌نمای داخلی ساعت‌های هوشمند و حسگرهای جهت‌نما در تلفن‌های همراه را در صورتی که به‌درستی کالیبره و در محیط فاقد اختلالات مغناطیسی به کار روند، پوشش می‌دهد.

با این همه، مرزهای لزوم اطمینان نیز باید رعایت شود. چنانچه ابزار مورد استفاده، در اثر خطای کاربری یا اختلالات محیطی، فقط ظن متزلزل ایجاد کند و امکان تقویت اطمینان با تکرار اندازه‌گیری، تطبیق با نشانه‌های ثابت (مانند جهت قبله مسجد محلی معتبر) یا رجوع به منبع موثق وجود داشته باشد، مکلف موظف است آن اقدامات تکمیلی را انجام دهد؛ و اگر با همه‌ی تلاش‌ها، اطمینان حاصل نشد، نوبت به «تحرّی معذورانه» و اجرای قواعد بدل، مانند نماز به یکی از جهات محتمل یا تکرار در جهات، بر حسب مبانی فقهی، فرا

می‌رسد (موسوی‌خمنی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۰؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۱۶۸). این جمع، هم حرمتِ ارکان عبادت را پاس می‌دارد و هم شریعتِ سهله را از گرفتار شدن در سخت‌گیری‌های بی‌وجه مصون می‌سازد.

سجاده‌ها و مهرهای هوشمند

نمونه‌ای دیگر، سجاده‌ها و مهرهای هوشمند هستند که با استفاده از حسگر فشار و ژيروسکوپ، تعداد رکعات و صحت رکوع و سجود را ثبت کرده و بازخورد فوری به نمازگزار می‌دهند. این ابزارها با هدف جلوگیری از کثرت سهو یا نسیان طراحی شده‌اند. اگرچه این فناوری‌ها به‌خودی‌خود نیت و قصد قربت را جایگزین نمی‌کنند، اما از آنجا که در برخی موارد ممکن است نمازگزار به آن‌ها وابسته گردد و در صورت فقدان وسیله دچار اضطراب شود، فقها تأکید دارند که باید صرفاً نقش کمکی داشته باشند و جایگزین مراقبت قلبی و حضور ذهن فرد نشوند (موسوی خمنی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۸۵).

اپلیکیشن‌های موبایلی آموزش و تصحیح نماز

از دیگر مصادیق، اپلیکیشن‌های موبایلی آموزش و تصحیح نماز است که با استفاده از فناوری تشخیص صوت یا بینایی ماشین، به بررسی صحت قرائت و حرکات می‌پردازند. این ابزارها در حوزه آموزش کاربردی‌اند و بیشتر برای مبتدیان یا کودکان مفیدند. از منظر فقهی، همانند سایر وسایل آموزشی، استفاده از آن‌ها هیچ اشکالی ندارد و مشمول قاعده «تسهیل» می‌شوند. آیت‌الله خویی نیز در مباحث فقهی تصریح کرده بود که معیار صحت نماز، مطابقت افعال با اوامر شارع و نیت قربی است و ابزارهای بیرونی تنها در صورتی محل اشکال خواهند بود که خود را جایگزین افعال شرعی نمایند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۲۱).

ربات‌های مکبر نماز

در برخی کشورها حتی ربات‌های مکبر نماز طراحی شده‌اند که با تشخیص حرکات امام جماعت، اذکار و تکبیرها را به جماعت اعلام می‌کنند. این ابزار از منظر فقهی اگر صرفاً وسیله‌ای برای رساندن صدای امام تلقی شود، تفاوتی با میکروفون ندارد و مشروع است؛ اما اگر فرض شود که ربات خود به‌جای امام اذکار را مستقلاً ادا می‌کند، این امر باطل خواهد بود؛ زیرا نیت و قصد قربت از شرایط ضروری است و نمی‌توان آن را به ماشین تفویض کرد (مسجدسرای، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

در نهایت، جمع‌بندی فقهی نشان می‌دهد که ابزارهای هوشمند نماز به سه دسته تقسیم می‌شوند: نخست، وسایل اعانت بر عبادت مانند بلندگو یا قبله‌نما که مشروعیت کامل دارند؛ دوم، وسایل آموزشی و نظارتی مانند سجاده یا اپلیکیشن‌های هوشمند که به شرط عدم جانشینی نیت و ارکان عبادت مجازند؛ و سوم، وسایلی که بخواهند بخشی از عمل عبادی را به جای مکلف انجام دهند، که بی‌اعتبار و بدعت محسوب می‌شوند. این مرزبندی دقیق، ملاک اصلی فقیه در پذیرش یا رد فناوری در نماز است و نشان می‌دهد که شریعت اسلام، در عین توقیفی بودن عبادات، از به کارگیری ابزارهای تسهیل‌کننده استقبال می‌کند، مادام که حدود و شرایط شرعی محفوظ بمانند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش کاربردی فناوری‌های نوین در اعمال عبادی با تأکید بر حج و نماز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. مشخص گردید محل بحث دخالت شیوه‌ای از عقلانیت و سازمان‌دهی عمل در متن رفتاری است که ماهیت قربی دارد و اجزاء و شرایط آن توقیفی است. از همین رو، تفکیک دقیق میان «وسیله اعانت بر امتثال» و «جزء یا شرط عبادت» به عنوان خط‌میز بنیادین در سراسر پژوهش محوریت یافت؛ هرچا فناوری به صورت مقدمه عقلایی برای تحصیل اطمینان در قبله و وقت، آموزش و تصحیح پیشینی، نظم‌بخشی بیرونی و کاهش خطر و عسر به کار رود، در قلمرو ابزار اعانت می‌گنجد، و هرچا به صورت جزء انگاشته شود یا جای قصد و مباشرت مکلف را بگیرد، خطر خروج از حدود شریعت و فروکاست عبادت به تکنیک پدید می‌آید.

در مناسک حج ابزارهای مدیریت جمعیت، هدایت صفوف، زمان‌بندی و کنترل هوشمند حرکت، چنانچه به‌روشنی در مقام صیانت از جان‌ها، نظم‌بخشی و کاهش خطر به کار روند و در متن افعال عبادی جای جزء یا شرط نشینند، نه تنها پذیرفتنی بلکه از لوازم تدبیر حسن این شعائر عظیم به‌شمار می‌آیند. در باب شعائر خاص مانند طواف و سعی، معیارها دقیق‌تر شد: هرچا فناوری، مانند نقاله‌ها یا راهبرهای هوشمند، حرکت را تسهیل کند اما مباشرت طائف و ساعی و ترتیب افعال و نیت قربی را دست‌نخورده باقی گذارد، می‌توان از آن بهره برد؛ اما هرچا جایگزینی فعل عابد با فعل ماشین یا واسطه‌سازی به گونه‌ای که قصد و استحضار فاعل کمرنگ شود رخ دهد، باید از آن پرهیز کرد. در حج، وجه جمعی و نمادین عبادت نیز اقتضا می‌کند اثرات فرهنگی فناوری سنجیده شود؛ ابزارهایی که چهره شعیره را به نمایش و سرگرمی بدل می‌کنند یا روح هم‌نفسی و تواضع جمعی را می‌کاهند، هرچند کارکردی داشته باشند، از منظر حفظ اصالت مناسک با چالش مواجه‌اند.

در نماز، که عمیق‌ترین صورتِ عبادت فردی و روزانه مسلمان است، دو حوزه متفاوت برجسته شد. نخست، ابزارهای تعیین قبله و اوقات، که به‌روشنی در قلمرو مقدمات عقلایی امثال قرار می‌گیرند و ملاک در آن‌ها حصول اطمینان عرفی به صحت جهت و وقت است؛ لذا هر فناوریِ دقیق و آزموده - از قطب‌نما تا سامانه‌های ماهواره‌ای و نقشه‌های رقومی - می‌تواند به کار آید، و ناتوان‌سازی مکلف از قبله‌یابی بدین بهانه که ابزار مدرن نیست، محلی از اعراب ندارد. دوم، ابزارهای هوشمند نظارت بر حرکات و قرائت که مرز ظریف میان آموزش و بدیل‌سازی را پیش چشم می‌گذارند: تمرین‌های پیشینی، بازخورد پسینی، و یادآورها در خارج از متن نماز می‌تواند دقت و اتقان را فزونی بخشد، اما مداخلات لحظه‌ای در متن عمل، واگذاری شمارش رکعات و اذکار به دستگاه، پخش خودکار ادعیه و ایجاد اتکاء روانی به ابزار، از استدامه نیت و حضور قلب می‌کاهد و خطر انتقال محوریت از «عبد حاضر» به «دستگاه حاضر» را در پی دارد. سنجش اخلاقی نیز هشدار می‌دهد که حتی اگر مداخله‌ی فقهی رخ ندهد، نمایش عبادت و گره‌زدن معنویت به بازخوردهای برخط، اخلاص را تهدید می‌کند و آرام‌آرام عبادت را از ساحت راز به ساحت نمایش می‌لغزاند.

از درون این تحلیل‌ها، دستاورد نظری مهمی صورت‌بندی شد که می‌توان آن را «چارچوب تمایز اعانت/بدیل‌سازی» نامید. بر پایه این چارچوب، مشروعیت فناوری در عبادات به چهار معیار پیوسته گره می‌خورد: نخست، معیار توقیفیت که می‌پرسد آیا ابزار در مقام جزء یا شرط عبادت نشسته یا در مرتبه مقدمات عقلایی باقی مانده است؛ دوم، معیار نیت و استدامه که می‌سنجد آیا ابزار در لحظه عبادت، قصد قربت و توجه قلبی را یاری می‌کند یا آن را به حاشیه می‌راند؛ سوم، معیار عسر و ضرر که می‌سنجد آیا ابزار در خدمت رفع مشقت و حفظ نفوس و نظم است بی‌آنکه حقیقت عمل را تغییر دهد؛ چهارم، معیار فرهنگ و عرف متشرعه که می‌پرسد آیا ابزار به هماهنگی با صورت متعارف عبادت و کرامت شعائر کمک می‌کند یا ظاهر عبادت را به نمایش و سرگرمی بدل می‌سازد. هر فناوری که آزمون این معیارها را با پاسخ‌های مثبت بگذراند، در دایره اباحه و غالباً رجحان قرار می‌گیرد؛ و هر فناوری که یکی از این حلقه‌های چهارگانه را مخدوش کند، در دایره منع یا احتیاط شدید جای می‌گیرد.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابراهیمی پاسندی، محمد مهدی؛ سپاسی آشتیانی، محسن؛ (۱۴۰۱). «**حجّت اجتهاد در تعیین جهت قبله**». فصلنامه مطالعات فقهی معاصر، عوائد الأيام عن مولانا الرضا عليه السلام» پاییز و زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۳، ص ۲۶-۴۲.
۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح. (بی تا). **مجموع فتاوی و رسائل محمد بن صالح العثیمین**. ریاض: دارالوطن.
۳. ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸). **الوسيلة إلى نيل الفضيلة**. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی.
۴. ابن عابدین، محمد امین. (بی تا). **حاشیة ردّ المحتار علی الدرّ المختار**. بیروت: دارالفکر.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.
۶. احمدی شاهرودی، حسین. (۱۳۹۱). **شرح اصول فقه (الأحمدي الشاهرودي)**. تهران: انتشارات طلوع مهر.
۷. احمدی، علی اکبر. (۱۳۹۰). **فناوری و معنویت**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵). **المکاسب**. قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري.
۹. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵). **فرائد الأصول**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. بامری، فاطمه؛ دامنی، ام النور؛ بامری، موسی. (۱۴۰۳). «**بررسی تاثیر استفاده از فناوری های نوین (مانند اپلیکیشن ها و محتوای چند رسانه ای) در ترویج نماز در مدارس ابتدایی**»، اولین همایش ملی مهارت های معلمی، ص ۱-۲۱.
۱۱. البدر، عبدالرزاق. (۱۴۳۰). **دروس اعتقادية**. مترجم: عبدالله حیدری، بیروت: دارالمعرفة.
۱۲. تسخیری، محمد علی. (۱۴۳۱). **القواعد الأصولية و الفقهية**. تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.
۱۳. التویجری، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۵). **احکام العبادات**. مترجم: سید زکریا حسینی، ریاض: دارالتوحید.

۱۴. حاجعلیزاده، امین؛ نصیری، فریبا. (۱۴۰۰). «بررسی هوش مصنوعی و تجارت الکترونیک از منظر فقه و حقوق و تجارت جهانی». رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، دوره ۳، شماره ۹، زمستان ۱۴۰۰، صص. ۷۷-۹۶.
۱۵. حاجی جعفری، علی. (۱۴۰۳). «روش‌های عملی جهت‌یابی و طریقه به‌دست آوردن قبله و احکام فقهی آن». مجموعه مقالات همایش قبله‌پژوهی، تهران: دبیرخانه همایش قبله‌پژوهی.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۷. حسینی حائری، کاظم. (۱۴۲۷). مناسک الحج. قم: دفتر معظم له.
۱۸. حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۷). نسبت علم و دین در تمدن اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۲). آداب الصلاة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۲). مناسک حج. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۳). ترجمه تحریر الوسیلة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. خواجه‌نوی، اسماعیل بن محمدحسین. (۱۳۸۵). التعليقة على الرسالة الصومية. قم: مؤسسة عاشوراء.
۲۳. خوانساری نجفی، موسی. (۱۴۱۸). منیه الطالب فی شرح المکاسب. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی.
۲۵. دهقانی، رضا. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی کارکردهای فناوری در عبادت». معرفت دینی، شماره ۴۲، ۱۳۹۲، صص: ۵۳-۷۰.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۰). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم.

۲۷. زارعی سبزواری، عباسعلی. (۱۴۳۰). **القواعد الفقهية في فقه الإمامية**. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.

۲۸. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۹). **رسائل فقهیه**. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).

۲۹. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۰). **البدعة: دراسة فقهية كلامية**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۳۰. سیفی، علی اکبر. (۱۳۹۰). **دلیل تحریر الوسيلة (الصوم)**. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳۱. شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۴۲۱). **مناسک الحج**. قم: مؤسسه الولاء للدراسات.

۳۲. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۰). **موسوعة الشهيد الأول**. قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه.

۳۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳). **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسه النشر الإسلامي.

۳۴. طاهری، جواد. (۱۳۹۷). **نواوری در مناسک دینی**. قم: پژوهشگاه باقرالعلوم.

۳۵. طاهری، محمدحسین. (۱۴۰۴). «امکان سنجی اخذ قصد قربت در واجبات تعبدی». پژوهش های اصولی، دوره ۹، شماره ۳۳، زمستان ۱۴۰۱، صص. ۱۷۵-۲۰۴.

۳۶. طاهری، محمدصادق. (۱۳۹۰). «فناوری اطلاعات و چالش های فقهی». حکومت اسلامی، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، صص. ۴۵-۶۰.

۳۷. طباطبایی یزدی، محمدکاظم. (۱۴۰۸). **العروة الوثقى**. قم: مؤسسه النشر الإسلامي.

۳۸. طباطبائی، سیده فاطمه؛ بینش به نیا، الهه. (۱۴۰۱). «**حکم تکلیفی بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی از منظر فقه امامیه**». حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، صص. ۱۵۱-۱۸۰.

۳۹. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۶). **مناسک الحج**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

۴۰. عباسپور، مجید. (۱۳۸۹). **تکنولوژی و جهان بینی دینی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۴۱. عباسی، سیدمحسن. (۱۳۹۸). «**بررسی نسبت تکنولوژی با آموزه های اسلامی**». پژوهش نامه فلسفه دین، شماره ۲۴، ۱۳۹۸، صص. ۸۵-۱۰۵.

۴۲. علم الهدی، علی بن حسین. (۱۴۰۵). **رسائل الشریف المرتضی** (جمل العلم و العمل). قم: دار القرآن الکریم.
۴۳. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۰۹). **رسائل المحقق الکرکی** (رسالة في السهو و الشک في الصلاة). قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۴۴. مدنی کاشانی، رضا. (۱۴۱۱). **براهین الحج للفقهاء و الحجج**. قم: المدرسة العلمية آية الله العظمی مدنی.
۴۵. مسجدسرای، حمید. (۱۳۹۳). «**کیفیت اعتبار قصد قربت در واجبات تعبدی**». پژوهش های فقهی، دانشگاه سمنان، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صص. ۶۰-۷۸.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۳). **استفتائات جدید**. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰). **القواعد الفقهية**. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).
۴۸. مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام. (۱۴۲۴). **المعجم الفقهي لکتاب الشیخ الطوسی**. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۴۹. موسوی بجنوردی، محمدحسن. (۱۳۸۵). **قاعده لا ضرر و لا ضرار**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۰. نایینی، محمدحسین. (۱۴۱۱). **کتاب الصلاة**. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۱. نراقی، مولی احمد. (۱۴۰۸). **عوائد الايام**. قم: مكتبة بصیرتی.
۵۲. نصراففهانى، اباذر. (۱۳۸۹). **کتاب شناسی حج و زیارت**. تهران: نشر مشعر.